



۱۵

خود خوری مغزهای کم خواب

واقعار بخونگی یه چیز دیگست؟!

۱۴



قدم زدن روی مژه‌های نخل

۱۶



زندگی

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۹ شماره ۵۷۴۹

۱۳ جامعه



info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۲



#محدودیت- کرونا

شرقی از تهران:

با این که وضعیت تهران به لحاظ کرونا همچنان قرمز است، اما استانداری و ستاد کرونای تهران دیگر حرفی از تمدید محدودیت ها به میان نمی آورند. همین مساله باعث شده تا مشاغل پرخطر آزادانه فعالیت کنند. از مسؤولان درخواست رسیدگی دارم.



#لباس- مدرسه

مرادی شهرقدس:

طبق اعلام وزارت آموزش و پرورش، مدارس استان تهران فعلا به صورت غیرحضوری فعالیت می کنند، اما مدیر یکی از مدارس شهر قدس خانواده ها را مجبور به خرید لباس فرم مدرسه کرده است. نکته بحث برانگیز تاکید مدیر مدرسه به خرید لباس از فروشگاهی خاص است که باعث اعتراض خانواده ها شده.



#سهام- انتظار

انوری از زاهدان:

بانک ها و کارگزاری ها در فروش سهام عدالت سهامداران تعلل می کنند و گاهی ماه ها شهروندان را در انتظار فروش نگه می دارند، چرا هیچ یک از نهاد های متولی به این موضوع ورود نمی کنند؟



#کرونا- آمار

مردنی از تهران:

امیدوارم با رعایت پروتکل های بهداشتی از جانب مردم، آمار بیماران کرونایی بازهم کاهش پیدا کند و دیگر شاهد فوت کسی نباشیم.



#مترو-ازدحام

جمعی از شهروندان:

خط یک متروی تهران تقریباً در همه ساعات روز شلوغ است و عملاً امکان رعایت فاصله با دیگران وجود ندارد. باین که شهرداری بارها اعلام کرده علت این مشکل، کمبود قطار و واگن است، اما مردم که تقصیری در شکل گیری کمبودها ندارند مستقیماً از این بابت آسیب می بینند، چرا دولت که قصد شکست کرونا را دارد به این مشکل توجهی نمی کند؟



#خاموشی-معابر

لوری از علمده:

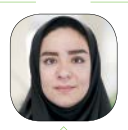
اکثر معابر و خیابان های اصلی شهرهای بین راهی مازندران در خاموشی مطلق به سر می برند.



#کودک- زباله گرد

حسینی از تهران:

با وجود این که شهردار تهران در روز مقابله با کار کودکان تاکید کرده بود کودکان زباله گرد مدیریت می شوند اما هر روز حضور این کودکان در شهر تهران گسترده تر می شود. چرا مسؤولان وعده ای می دهند که از عهده انجاش برنمی آیند؟



نرگس خاغانلی زاده

جامعه

بین همه آنهایی که ماسک و مایع ضد عفونی انبار کردند و به گران ترین قیمت دست مردم دادند، بی انصافی است اگر آنهایی را که در هر شغلی، چشمشان را روی منافع و سود اقتصادی شان بستند و به سلامت مشتری های شان در این روزهای خاکستری و کدر فکر کردند، نبینیم. اصلا شاید وقتش است که در این روزگار آشفته و هزار رنگ، آنقدر از عالم و آدم انتظار نداشته باشیم؛ شاید بهتر است نگوییم که چرا شخصی برای ماکاری نمی کند یا چرا فلانی چنین کاری کرد؟ چرا که در بین همه این نامهربانی ها و نیمه های خالی لیوان، نیمه های پری هم وجود دارد، هرچند اندک. نیمه های پری از آبی که انصافا بعضی از کاسب ها، در این روزهای سخت کرونایه باعث و یانی شان هستند و مهربانی آنها مرهمی است بر زخم هایی که

سودجویان به جامعه تحمیل می کنند. در گزارش پیش رو چند روایت از کاسب هایی را می خوانید که به سهم خودشان برای بهتر کردن دنیا تلاش می کنند.

📌 دنیای گلستانم آرزوست

پوشش صاحبخانه خوب از آن روزی راه افتاد که قیمت ملک و خانه به طرز غیرمنطقی افزایش پیدا کرد و مالکان و صاحبخانه ها هم از اضافه شدن ارزش دارایی خود به وجد آمدند. این وسط اما مستاجرها و آنهایی که به زحمت پولی تهیه کرده بودند تا یک خانه نقلی بخرند، فقط از دور به شیب صعودی قیمت ها چشم دوخته اند؛ انگار این تنها کاری است که از دستشان برمی آید. همین گرانی باعث شد که دفترهای املاک شلوغ تر از همیشه باشد. چه برای آنهایی که احساس خطر می کردند و می خواستند با هر پولی که دارند خانه ای بخرند، چه آنها که می خواستند خانه شان و با هر شرایط و امکانات کم و زیادی را به بالاترین قیمت ممکن بفروشند. در این میان، بعضی از صاحبخانه ها هم فکر کردند که چه بهتر که نرخ مسکن بالا رفته است؛ حالا با خیال راحت و بدون چانه زدن می توانند مبلغ ودیعه و اجاره واحدها را بالا ببرند. همین شد که صاحبخانه های خوب، همان ها که مراعات مستاجرشان را در این اوضاع کردند، بیشتر دیده شدند؛ بیشتر قدرشان دانسته شد و بیشتر از آنها گفته و نوشته شد. اما در بین همه این داستان ها، این تنها روی این ماجرا نبود. روی دیگر، برخی دفاتر مشاور املاک بودند که رسماً و علناً اعلام کردند که روی فایل خانه هایی که صاحبان شان قیمت های نامتعارف و خارج از توان مردم و بیشتر از ارزش خانه شان قیمت گذاری شده اند، کار نمی کنند. شاید تعداد این دفاتر به اندازه انگشتان دست باشد اما مهربانی آنها قابل چشم پوشی نیست.

آقای طاهری، یکی از مشاوران املاکی است که این کارش را با نصب کاغذی بر شیشه ورودی دفترش اعلام کرده است. این طوری دیگر اگر صاحبانه ای می داند که قیمتش نامتعارف است و می خواهد با چنین هدفی وارد مغازه شود، پشیمان می شود؛ «ما را هم در معذوریت نمی گذارد. البته اگر بپاید و شرایط خانه و قیمت را بگوید و ما تشخیص بدهیم که این دو با همدیگر همخوانی ندارند، سعی می کنیم برایش توضیح بدهیم که قیمت شان متعارف نیست؛ اگر

و در معرض دید رهگذران نصب شده تا مبادا از دید کسی که به نان نیاز دارد و پولی برایش ندارد جا بماند؛ «نان برای افراد نیازمند، رایگان می باشد.» آقای ناناو می گوید: «از اولین روزهای شیوع کرونا این چند کلمه را نوشتیم و به در ورودی چسباندیم. چون می دیدم که دستفروشان و روزمه هایی که هر روز نزدیکی های ما بساط می کردند، دیگر درآمدی ندارند.» البته این روزها بیشتر کسانی که برای گرفتن نان رایگان به مغازه اش مراجعه می کنند، زباله گردهایی هستند که صبح تا شب در خیابان ها مشغول کار هستند و در این بین کمی نان می خورند و دوباره از اول؛ «پیش خودم فکر کردم که ما نه کادر درمان هستیم و نه کاری جز نان پختن از دستمان برمی آید؛ همین یک کار را از مردم دریغ نکنیم.» برای همین حالا نزدیک به شش ماه است به هر شخصی که تقاضای نان رایگان کند، سه تا چهار عدد نان تافتون می دهد؛ «آن اوایل تا روزی ۶۰ عدد نان رایگان به دست نیازمندان می دادیم؛ اما حالا این روزها به روزی ۱۳۰ نان هم رسیده است.» اما انگار این فقط یک بعد ماجرا است. جنبه دیگری آن است که همین نوشته کوچک روی شیشه، راهی برای کار خیر و انسان دوستانه افراد دیگر هم شده است؛ «آدمیزاد اولش فکر می کند که نکند این کار را بکنم و متقاضیانش آنقدر زیاد شود که به خودم ضرر برساند؛ اما از وقتی که این نوشته را زدیم، تعداد آدم هایی که می آیند و مبلغ بیشتری از نانی را که خریده اند، می دهند تا آنها هم سهمی در سیر شدن گرسنگان ما نان داشته باشند، از فکری که پیش خودم می کردم خجالت کشیده ام.» به این شکل تلاش برای کمک به نیازمندان جدی تر گرفته می شود؛ خیرانی که سهمی در این کار دارند، نانوایی که بانی این کار شده و نیازمندانی واقعی که اصلی ترین مایحتاج زندگی شان، یعنی نان تامین می شود.

📌 چند عدد نان داغ

«اگر هیچ چیزی هم نداری، نان را باید داشته باشی.» این را شاطر یک ناوایی کوچک در کوچه پسکوچه های بلوار میرداماد تهران در جواب سوالمان از برگه ای که پشت شیشه مغازه اش چسبانده است، می گوید. نوشته ای که بزرگ و پررنگ



📌 سود من، سلامت شماست

آنقدر عادی شده بود که حتی گوینده رادیو هم وقتی از خواص میوه خاصی گفت، در لحظه به خودش آمد و با خنده گفت حالا که ما از این میوه گفتیم، نکند از فردا در همه میوه فروشی ها قیمتش چند برابر شود. حق هم داشت؛ تجربه نشان داده بود که روی زبان آمدن یک جنس و کالای خاص مثل میوه که در زمان خاصی کاربرد پیدا می کرد، قیمتش را به شکل تعجب برانگیزی بالا برده است. در صورتی که شاید درستش این باشد وقتی نیاز مردم به یک کالا، اساسی لازم می شود، به شکل راحت تری در اختیار مردم قرار بگیرد. اما انگار همه به این روش مرسوم و غلط عادت کرده بودند و کسی کاری جز غر زدن از دستش برنمی آمد؛ در حالی که تصورشان اشتباه است، تب کرونا که زیاد شد، همه متخصصان به اتفاق معتقد بودند که باید تا می توانیم سیستم ایمنی بدنمان را بالا ببریم. در این میان، میوه هایی که ویتامین بالایی دارند و سیستم دفاعی را تقویت می کنند، مثل لیمو شیرین، لیموترش و زنجبیل از آن نوع محصولاتی بودند که تقاضا برای آنها در میوه فروشی ها بالا رفت. دوباره قیمت این میوه ها چند برابر شد اما یک میوه فروش روال کاری اش را در یک برگ کاغذ نوشت و جای جای مغازه اش چسباند؛ نوشته هایی که عکسش دست به دست در بین کاربران فضای مجازی چرخید و از او به عنوان میوه فروش با انصاف یاد کردند. کسی که به مشتری هایش اعلام می کرد قیمت این میوه ها در این روزهای بحران شیوع ویروس کرونا، نه گران تر از همیشه که حتی به قیمت میدان تره بار است، حالا با خیال راحت تا می تواند لیمو شیرین و زنجبیل بخورد تا از ضعیف شدن بدنتان و گرفتار کرونا شدن در امان بمانید. و همین برای محبوب شدنش در در بین اهالی محل کافی بود. 📌

زندگی+

حتی تلفن های همراه مان هم از دست کرونا در امان نماند. آنقدر که موبایل فروشان با انصاف یکی یکی در شبکه های اجتماعی شان به زبان آمدند و هرکسی به طریقی گفت از پول بدش نمی آید اما با اسپری کردن مستقیم مایع ضد عفونی کننده به صفحه تلفن همراهتان، آن را از کار نیندازید و بعد سراغ ما بیایید؛ باقی اش هم یاد دادن روش صحیح ضد عفونی کردن گوشی هایمان بود. اما یکی دیگر از آنها هم موبایل فروشی در مرکز شهر بود که انگار تنها کاری که در میان این بحران از دستش برمی آید، استریل یا همان ضد عفونی کردن تلفن همراه عابران خیابان به روش اصولی و با مواد مناسب و البته رایگان است. او تبلیغ این کارش را نوشته و بر شیشه مغازه اش چسبانده تا هر عابری که احساس ناخوشایندی از رفت و آمد زیادش دارد و احتمال آلوده بودن تلفن همراهش را می دهد، جایی برای حال خوب موقتی اش داشته باشد و دوباره با خیال راحت آن را دستش بگیرد. حالا دیدن نیمه پر لیوان این کاسب ها قشنگ تر است یا نیمه خالی و کاسب هایی که منتظر تلفن های همراه نیم سوز شده به خاطر استفاده نادرست از مایع ضد عفونی کننده، نشسته اند و نرخ تعمیراتشان را بالا برده اند؟



یادداشت:

غفور شیخی

جامعه شناس

دنیا روی دوش آدم های خوب می چرخد

ایده آل این است که همه آدم ها در هر موقعیتی که هستند نباید اصالت و قواعد خودشان را تحت هر شرایطی زیر سوال ببرند. مثلاً یک کاسب خوب، به عنوان عضوی از جامعه باید اصالت داشته باشد و آن را در تعامل با مردم و در نوع مشتری مداری اش نشان بدهد. چنین کسی برای خودش اصول و قواعدی دارد که حاضر نیست آن را زیر پا بگذارد و قرار نیست با هر جریانی در بازار و هر سود و منفعتی، اصول خودش را نادیده بگیرد.

این اصول برآمده از اعتقادات ذاتی و درونی است که باعث شکل گیری شخصیت او شده و حالا منعکس کننده رفتار او در جامعه امروزی است. به هر حال او دیدگاه انسان دوستانه ای نسبت به جامعه و شرایط آن دارد. در واقع چنین شهروندی می داند هر شخصی در جامعه قدرتش بیشتر است، برنده نیست. از نظر آنها، حالا که قدرت بخش بسیار کوچکی از این جامعه عظیم به دستشان است، حالا که قدرت انتخاب دارند و حالا که می توانند سهم خودشان را هرچند کوچک در سعادت جامعه نشان بدهند، در کفه انصاف و سود، انصافشان سنگینی می کند. موضوع مهم این است که سودجویی یک فرد در یک جامعه، ممکن است به صورت مقطعی به نفعش باشد اما در نهایت مردمی را متضرر می کند که اتفاقا خود او هم جزوی از همان مردم و همان جامعه است و این چرخه روزی به او و خانواده اش برمی گردد.

در واقع کسانی که در شرایط بحرانی مثل امروز، اختیار خودشان را در دست جریان ها به راه افتاده در بازار نمی دهند، آنهایی هستند که می توانند جامعه را به سمت پیشرفت سوق بدهند. شاید این افراد هم از وضعیت اقتصادی و معیشت مردم جامعه که خودشان هم سهمی در آن دارند گلّه مند هستند اما این گلّه مندی، نباید خللی در انجام کارشان به نحو احسن ایجاد کند. چنین افرادی معتقدند من به سهم خودم باید درست عمل کنم. اما این که دیگران اشتباه می کنند نمی تواند بر کار درست و اخلاقی من تاثیر بگذارد. اما واقعیت چیست؟ واقعیت این است که آنها شق القمر نمی کنند؛ فقط تنها سوار بر موج به راه افتاده در بازار نمی شوند و به سود خودشان قانع اند. اتفاقاً شخصی که در زمان نیاز مردم به ماسک، مواد ضد عفونی کننده و...

تصمیم به گرفتن سود کلان از این جریان می کند کاری بی نهایت عجیب و شگفت می کند نه شخصی که خیر مردم را بر سود خودش ترجیح می دهد. اما برای چنین افرادی، چه کاری می شود انجام داد؟ این که آن را انعکاس بدهیم؛ این که هرکسی با دیدن رفتار آن شخص، خودش هم به فکر بیفتد و این روش گسترش پیدا کند، این که برایشان مشوق هایی مانند کاهش مالیات در نظر گرفته شود. به نظر من شاید بشود همه اینها را در یک ضرب المثل کردی خلاصه کرد که می گوید «دنیا روی دوش آدم های خوب می چرخد.» 📌